



شنبه ۱۰ اگست ۲۰۱۹

حمید انوری

شیخ آصف محسنی مُرد

عاقبت شیخ آصف محسنی هم مُرد و یک پشتاره جرم و جنایت، طا و خیانت و خون و خاکستر از خود به یادگار گذاشت. البته او یک چیز دیگر هم از خود در قلب کابل به یادگار گذاشته است. یک

مرکز طالب سازی، کُپی کُشی ملا و چلی و تبدیلی آنها

به آخذ و آیت خدا(آیت الله)، به نام "حوزه علمیه و

مدرسه خاتم النبیین"، مدرسه ای که گفته می شود "این

مدرسه با مصرف تقریباً 15 ملیون دالر آباد شده و

یکی از قشنگ ترین و مکمل ترین مدارس دینی

افغانستان می باشد." رادیو آزادی

ای وای از آن روزی که این "مدرسه علمیه" یک دور



طالب و ملا و مولوی و آخذ و آیت خدا تحویل کشور بریاد داده شده ما دهد.

فراموش نشود که این شیخ، یک پایگاه تبلیغاتی دینی- مذهبی، بنام "تلویزیون تمدن" را نیز از خود

به یادگار گذاشته است که گفته می شود تمام مصارف آنرا بصورت کُل، آخذ های ایرانی متقبل

گردیده اند تا در افغانستان تفرقه های مذهبی را دامن زده و در خدمت آخذ ها و جمهوری اسلامی

شان باشد.

{ تلویزیون تمدن یکی از شبکه های تلویزیونی خصوصی افغانستان است. این شبکه توسط آیت الله

محمد آصف محسنی یکی از رهبران مذهبی اهل تشیع افغانستان تأسیس شده است که ریاست آن را

محمد جواد محسنی بر عهده دارد.

برخلاف سایر شبکه های تلویزیونی خصوصی افغانستان این شبکه از پخش موسیقی پرهیز می

کند. محتوای برنامه های این شبکه حول و حوش مسائل دینی سیر می کند. این شبکه اقدام به پخش

برنامه های دینی، اجتماعی، سیاسی، ورزشی و ... که در چهار چوب احکام اسلامی است، می نماید.} ویکی پدیا

و اما اینکه مصارف گزاف ساخت و ساز "حوزه علمیه و مدرسه خاتم النبیین" را که گفته می شود حدود پانزده میلیون دالر بوده است، شیخ آصف محسنی از کدام میراث پدرش و از کدام سوداگری "جهاد" و از ذخیره نمودن کمک های خارجی به مهاجرین در به در و خاک به سر و محتاج و مردم شهید افغانستان به دست آورده بود، هنوز روشن نیست.

در یک کشور جنگ زده و مخروبه که مردم هنوز هم اگر برای نان چاشت فرزندان شان یک لقمه نان جوین را با صد خواری و زاری و تپ و تلاش برابر میکنند، به نان شب شان در مانده اند، در یک کشوری که هنوز هم هزاران هزار طفل افغان در دشت های سوزان و زیر درختان سوخته و در فضای آزاد، چهارزانو روی خاک نشسته و مصروف درس و تعلیم اند، ساختن یک مدرسه علمیه با مصرف 15 میلیون دالر، یک خیانت بزرگ در حق ملت و مملکت است.



کاش شیخ ما به جای آباد کردن "حوزه علمیه" با مصرف پانزده 15 میلیون دالر، پانزده مکتب در پانزده ولایت به سطح افغانستان برای پسران افغان آباد می کرد، او که با "قانون احوال شخصیه"، زنان و دختران را آدم نمی شمرد، چه رسد به تعلیم و تحصیل آنان.

این خانم معلم که خارج شدن او از منزل نظر به "قانون احوال شخصیه" کاملاً حرام شمرده می شد، در این عکس بسیار دلسوزانه در روی خاک نشسته و فرزندان و آینده سازان این کشور جنگ زده را، نوشتن و خواندن یاد می دهد. افتخار به این خواهر ما و ننگ و نفرین به شیخ آصف محسنی و امثالش.

کاش این شیخ و این آیت خدا، بجای این مدرسه علمیه، یک یتیم خانه آباد میکرد و هزاران هزار طفل بی سرپرست، یتیم و بی کس و بی نوا را زیر پوشش قرار می داد، که نداد. کاش یک فابریکه می ساخت که هزاران هزار افراد بی کار و بی روزگار که روز و شب سرگردان دنبال کار روان اند تا لقمه نانی برای جگرگوشه های شان تهیه کنند، در آن مصروف کار می شدند و یک روزی حلال به دست می آوردند.

از اینها که بگذریم و از "قانون احوال شخصیه" او هم که چشم ببندیم، می رسیم به اینکه او در هنگام "جهاد"، چگونه به مجاهد و مهاجر افغان از پشت خنجر زد و مشغول چه عبادتی بود.

{ آیت الله شیخ آصف محسنی متهم به فساد اخلاقی شد

سرانجام، موضوع قتل مرموز شهید مشتاق و ازدواج اجباری خواهر مشتاق با آیت الله آصف محسنی در سن 14 سالگی، در رسانه ها درز کرد. (بعضی دیگر رسانه ها سن خواهر شهید مشتاق را ۱۲ سال ذکر کرده اند) تلویزیون امروز، مدتی قبل مصاحبه ای طولانی را با مسلم فهیمی روزنامه نگار مستقل انجام داد که در آن مسلم فهیمی از تمام جریانات داخلی حزب حرکت اسلامی که آیت الله شیخ آصف محسنی رهبر آن بوده صحبت کرد.

حرف های مسلم فهیمی را می توان با شک و تردید مورد بررسی قرار داد اما تا اندازه ای می شود باور کرد چون او خود یکی از متنفذین در درون حزب حرکت بوده است....

نکته جالبی را که خبرنگار تلویزیون امروز از آقای فهیمی پرسید این بود که تلویزیون تمدن و شخص آقای محسنی چرا در هفته های شهید، هیچ سهمی نمی گیرد. مثلا در هفت سال گذشته، ده ها بار از شهید مزاری، شهید احمدشاه مسعود و شهید عبدالحق تجلیل شده است اما آقای محسنی هرگز سهمی نگرفته است. آقای فهیمی در جواب گفت: "متأسفانه برای آقای محسنی، مطالبات خارجی بیشتر اهمیت دارد تا منافع ملی، برای او مهم این است که ایران و سفارت ایران در کابل چه دیکته می کند".

آقای فهیمی، در ضمن محسنی را متهم کرد که در دوران جنگ های داخلی، محسنی یکی از کسانی بوده که جنگ و فرهنگ خشونت را در جامعه هزاره ترویج کرده است. وی گفت، آقای محسنی، هرگز نمی خواست مردم هزاره یک پارچه باشند و به طرق مختلف کوشش می کرد هزاره ها درگیر باشند.

جالبتر از همه بخشی بود که خبرنگار در مورد قضیه شهید مشتاق و چگونگی قتل او پرسید، آقای فهیمی گفت: "شهید مشتاق خواهرش را به ایران می برد و در قم رهبرش آیت الله آصف محسنی را ملاقات می کند و از آقای محسنی خواهش می کند که خواهرش را دروس حوزه و مذهبی تدریس کند. بعد، شهید مشتاق، خودش به افغانستان به جبهه بر می گردد و بعد از مدتی از قضیه خواهرش باخبر می شود که آیت الله محسنی خواهرش را به عقد خود درآورده است. او روانه ایران می شود و بعد با مشکل روبرو می شود و نمی تواند به ایران برسد اما وقتی باز می گردد و به جبهه می رسد، اینجاست که آیت الله محسنی به سید حسین انوری مخابره می کند که زنده ماندن

مشتاق صلاح نیست. در آن زمان، شهید مشتاق در قالب نیروهای سید حسین انوری جنگ می کرده و گفته می شود که یکی از قوماندانان ارشد و با درایت حزب حرکت آقای محسنی محسوب می شد. آقای سید حسین انوری بلافاصله عملیاتی از سیاه خاک تنظیم می کند اما این بار به تنهایی. بعد از ظهر آن روز، جسد شهید مشتاق به سیاه خاک انتقال می یابد و کسانی که جسد او را از نزدیک دیده اند گفته اند که مرمی از پشت بر او شلیک شده بود و همراهانش را نیز کشته بودند تا سرنخی از قتل وی به دست نیاید". جالبتر از همه اینکه آقای مسلم فهیمی می گفت تمام این مواردی را که ذکر می کند مستند است و حاضر است در یک مناظره با شیخ آصف محسنی اسناد را ارائه کند.} از منابع مختلف در انترنت

این شیخ و این آیت خدا و این گویا "مرجع تقلید"، با پول های باد آورده، نه تنها هرگز در "جهاد" نقش مثبتی را، درست مانند دیگر رهبران و رهزنان "جهاد"، بازی نکرد، بلکه جهاد و مجاهد را تا توانست از پشت خنجر زد و مشغول سوداگری جهاد بود. یک گوشه کوچک از سوداگری های جهاد، سرمایه گزاری پانزده میلیون دالری در "حوزیه علمیه" یا فابریکه طالب سازی در کابل است.

"گفته می شود، آقای محسنی متهم به قتل سران و فرماندهان حزب وحدت و حتی سران حزب حرکت در دوران جهاد و جنگ های داخلی می باشد. شهید مشتاق، یکی از آن میان هست. گفته می شود، سید ابراهیم شاه حسینی، شهید صادقی نیلی و شهید کاشفی با دستور مستقیم آقای شیخ آصف محسنی به شهادت رسیده اند. تمام این اسناد در نزد حزب وحدت اسلامی افغانستان موجود می باشد...

شهید صادقی نیلی، بنیانگزار حزب وحدت اسلامی افغانستان با دستور نامه مستقیم آقای محسنی در خانه اش به قتل رسیده است که گفته می شود دستورنامه و اسناد در نزد حزب وحدت موجود است. در باره شهید سید ابراهیم شاه حسینی نیز اسناد کتبی وجود دارد."

شیخ محسنی عاقبت روانه گور شد و از یک گور و یک کفن هیچ چیزی بیش باخود نبرد و عالمی از جرم و جنایت از خود به یادگار گذاشت که خدا نیامرزد اش!